

در آستانه تحقیق و نشر

سعادت نامه

ایرج افشار

زریاب و احمد منزوی به این تألیف اشاره کرده‌اند و بنا بر بعضی از آن پژوهشها، نظام الدین شامی اغلب مندرجات این کتاب را در ظفر نامه خود وارد کرده و از آنجا به زبده التواریخ حافظ ابرو و کتب دیگر رسیده است.^۱

سبب تألیف و نسب مؤلف

مؤلف در خطبه کتاب نوشته است: «چون دار العبادة یزد به مقدم عالی یکی از مقربان حضرت و چاکران صادق نیت مشرف گشت... حکم صادر شد که جهت تاریخ بعضی از حروب که بندگی حضرت جهانگشایی را اتفاق افتاده، دیباچه فارسی نویسد و فتوحات متواتر که از مبدأ عهد باز کرامت شد در فصلی مفرد مجملاً قلمی کرده. بعد ذلک روزنامه غزوات هندوستان پیش گرفته، جنگنامه‌ها به عبارتی از تکلف دور و به فهم نزدیک علی التفصیل شرح دهد» (ص ۱۵).

بنابراین کتاب در شهر یزد تألیف شده است.

مؤلف نام خود را در خطبه، علی بن جمال الاسلام آورده است (ص ۸). ولی در رقم پایانی نسخه تاشکند لقبش غیاث الدین به ضبط در آمده و نام فرزندش مولانا شهاب الدین محمد منشی ذکر شده است. (ص ۱۸۸)

این پدر و پسر از مردم یزد بوده‌اند و به طوری که در عبارات خطبه و رقم پایانی نسخه مذکور دیده می‌شود، پدر مؤلف ملقب به جمال الاسلام بوده و او همان معین الدین جمال الاسلام است که در تواریخ یزد نامش آمده است.^۲

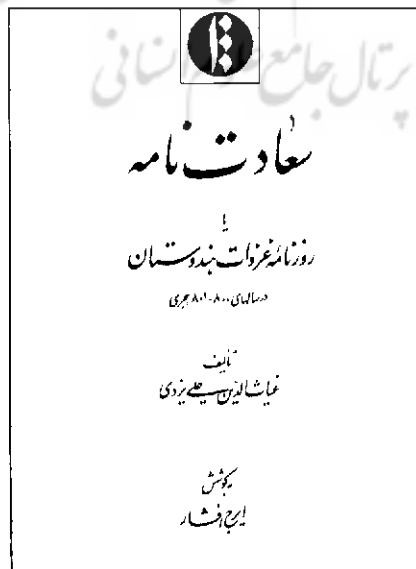
غیاث الدین علی خود اشاراتی دارد بر اینکه «اکثر اوقات مستغرق علوم دینی بوده

نخستین بار در تابستان ۱۳۳۹ در سفری که به مسکو رفته بودم، در کتابخانه دانشگاه آنجا، «روزنامه غزوات هندوستان» تألیف غیاث الدین علی یزدی که به تصحیح و اهتمام ال. ای. زمین L. A. Zimin و نظارت و بار تولد W. Barthold در پتر گراد به سال ۱۹۱۵ چاپ شده بود به چشم آمد و تورقی کردم. هر چه کردم نسخه‌ای از آن بیابم ممکن نشد. پس میکروفیلمی از آن فراهم کردم. سالها رفت که مترصد به تجدید چاپ آن می‌بودم و توفیق رفیق نمی‌شد. تا دوست دانشمند دکتر ریاض الاسلام استاد دانشگاه کراچی پیشنهاد چاپ آن را در سلسله انتشارات مؤسسه تحقیقات آسیای مرکزی وابسته به دانشگاه کراچی به حسن لطف پذیرفت و عنایت خود را بدان پایه رسانید که از نسخه‌های تاشکند و لاهور میکروفیلم برگرفت و در اختیار گذارد.

این متن تاریخی مهم - چنان که نام مصطلح شده بر آن گویای مندرجاتش می‌باشد - مربوط می‌شود به گزارش روزانه از وقایعی که در جنگهای امیر تیمور گورکان (۷۳۶-۸۰۷) در هندوستان روی

داده است. تیمور در غره ذی الحجه سال ۸۰۰ در حدود کابل (سرحد با هندوستان) بود که قصد بلاد هندوستان کرد (صفحه ۵۹) و مآلاً به جنگهایی در آنجا پرداخت که تا اوایل رجب ۸۰۱ دامنه یافت. مؤلف کتاب، بازگشت او را به کابل هشتم رجب ۸۰۱ ضبط کرده است. (صفحه ۱۷۹).

روزنامه غزوات بظاهر قدیمی ترین متن تاریخی در بیان سوانح بخشی از احوال تیمور است. کارل استوری C. A. Storey، فلیکس تاور F. Tauer، هانس روبرت رویمر H. R. Roemer، سعید نفیسی، عباس



و در انشاء خطابیات کمتر خوض نموده» (ص ۱۵). اما به دستور آن کسی که مقرب دستگاه تیمور بود، به این «موقف خطیر شروع» کرده بود. به طوری که هم اکنون نقل خواهد شد مشخص است که مؤلف مدتی به شغل قضا در یزد اشتغال داشته است.

از غیاث الدین علی مکتوبی در کتاب فرزندش موسوم به همایون نامه که پس از این نامش آورده می‌شود، مندرج است. جزاین، خود به دورساله عربی و فارسی از تألیفاتش اشاره کرده است. (ص ۱۵)

نام این پدر و پسر در دو تاریخ یزد باز مانده از عصر تیموری دیده می‌شود و ذیل احوال «شیخ الاسلام سعید جمال الاسلام محمد بن احمد بن محمد بن مهر یزد بن انوشیروان عادل» (متوفی در ۴۸۰) یاد آنان در میان آمده و چنین گفته شده است:

در تاریخ یزد تألیف جعفر بن محمد بن حسن جعفری می‌خوانیم: «و اولاد او یکی مولانا غیاث الدین علی منشی است که افضل عصر بود و قاضی عادل و نزد سلاطین بنی مظفر بغایت معزز و مکرم بود و در سال اربع و ثمانین و سبعمائه عمارت مزار شیخ کرد، و خانقاه عالی در جنب مقبره و نهری در خانقاه جاری کرد، و ساباط مروح بر در مزار ساز کرد و خان ابرقوهیان مشهور را جهت مزار نزدیک آن ساباط ساز داد و وقف کرد.»^۴

نوشته تاریخ جدید یزد تألیف احمد بن حسین بن علی کاتب چنین است: «و از نسل او (یعنی جمال الاسلام) بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند، مثل مولانای اعظم سعید غیاث الدین علی منشی که از فضلالی عصر بود... و مزار مقدس جد بزرگوارش او ساخته. چهار صفة عالی و طنبی بزرگ که مدفن شیخ الاسلام است و پنجره‌های آهنین بر طریق گشوده و نهر آب صواب در میان مدرسه جاری کرده، و ساباط رفیع منقش بر درگاه ساخته و قصیده سید حسن متکلم بر آن ثبت کرده که مطلع قصیده این است: «سلام کالطاف آل الممجد»، و بر کتابه درگاه، تاریخ نوشته و این عمارت در سال اربع و ثمانین و سبعمائه تمام شده و مولانای اعظم معین الدین جمال الاسلام محتسب از فرزندان او بود و شعری نیکو داشت و پیش سلاطین و اکابر معزز بودی و ظریف و ندیم و خوش صحبت بودی و امور احتساب یزد سالها تعلق بدو داشت.»^۵

محمد مفید مستوفی (قرن یازدهم) مؤلف جامع مفیدی همین مطالب را از مأخذ دوم اخذ و در تألیف خود گنجانیده، ولی توجه نداشته است به اینکه بانی عمارت مورد ذکر، غیاث الدین علی است نه شهاب الدین محمد. به سبب پیچیدگی عبارت تاریخ جدید یزد شهاب الدین محمد را مؤسس آن ابنیه یاد کرده است.^۶

اما فرزند مؤلف موسوم به شهاب الدین محمد همان طور که در رقم پایانی نسخه تاشکند آمده، فاضلی منشی بوده و در هر سه مأخذ مذکور نام او قید شده است. جعفری نوشته است: «و مولانا شهاب الدین محمد پسر او از اکابر دین بود و تصانیف بسیار دارد. از انشاء او شرح حاوی و غیره است»^۷. کاتب آورده است: «و مولانا شهاب الدین محمد که سرآمد زمان خود بود در انشاء و تواریخ و فقیه نیکو»^۸. مفیدی به اشتباه نام او را با عنوان «مرتضی امجد» می‌آورد^۹ و در ذیل احوال پیر مراد یاد آور است که در محله شهرستان جنب «زندان اسکندر» خانقاهی از تأسیسات او برپا بوده، ولی در زمان تألیف کتاب مذکور معدوم بوده است.

از این شهاب الدین محمد منشی مجموعه منشائی به نام همایون نامه از تصاریف ایام باز مانده است که آقای رکن الدین همایونفرخ آن را به چاپ رسانیده اند.^{۱۰} در آن نامه‌ای از پدرش که از زبان شاه یحیی به سعدالدین تفتازانی نگاشته بود، درج شده است با این عنوان: کتب مخدومی و والدی المولی الاعظم السعید غیاث الملة و الدین علی بن المولی السعید معین الملة و الدین جمال الاسلام - طاب ثراهما - من لسان السعید الشاه یحیی - طیب الله مرقدہ - الی المولی الاعظم السعید ملک العلماء الاعلام فی عصره سعد الملة و الدین تفتازانی - علیه الرحمة»^{۱۱}

خلاصه اینکه سه نسل متوالی شناخته شده از این خاندان به ترتیب عبارتند از:

۱. معین الدین جمال الاسلام پدر مؤلف کتاب که سالها در امور احتساب یزد خدمت کرده.

۲. غیاث الدین علی مؤلف کتاب که قاضی شهر یزد بوده و با سلسله مظفری، از جمله با شاه یحیی مناسبت داشته و انشایی از زبان او نگاشته است. این شخص بعد به تیموریان پیوسته و روزنامه غزوات تیمور در هندوستان را تألیف کرده است.

۳. شهاب الدین محمد منشی مؤلف همایون نامه که فرزند غیاث الدین بوده و بنا به ضبط تاریخ یزد تألیفی به نام شرح حاوی داشته است.^{۱۲} یوسف اهل هم در فوائد غیائی از منشآت او یاد کرده است.^{۱۳}

از این شهاب منشی اطلاعی دیگر از مأخذ به دست آورده‌ام که در اینجا مناسبت دارد به آگاهی رساننده شود. آن اطلاع این است که شهاب منشی نسخه‌ای از کشف الاسرار و عدة الابرار رشیدالدین میبیدی نیای بزرگ خود را در سال ۸۲۳ به تملک در اختیار داشته است. زیرا در یادداشت تملک بر کتاب، نام خود را «محمد بن علی بن جمال الاسلام ملقب به شهاب منشی» به ضبط رساننده است.

نسخه مورد نظر به شماره ۲۳ در طویقایی سرای (استانبول) محفوظ است. ۱۴ علی اصغر حکمت از این نسخه در تصحیح کشف الاسرار استفاده کرده است.

زمان تألیف کتاب و نام آن

غیاث الدین علی در دو جای کتاب به سال سی و یکم سلطنت امیر تیمور اشارت دارد و از آنها می‌توان زمان تألیف را مشخص کرد. یکی این عبارت است در فصل مربوط به فتحهای تیمور که می‌نویسد: «چون خورشید به خنجر و سنان همراهی گزید تا دولت بیدار و اقبال پایدار کمر خدمت بر میان بست و اقالیم عالم و ممالک جهان در عرض سی و یک سال برو مقرر شد...» (ص ۱۸-۱۷). مورد دیگر این عبارت است: «صورت حال آنکه چون در سال سی و یکم از عهد سلطنت و پادشاهی، اقالیم و ممالک آفاق در تصرف بندگی حضرت صاحبقرانی آمده بود و به مستقر عز و دولت مراجعت فرمود...» (ص ۵۷). چون جلوس تیمور در سال ۷۷۱ بوده است، بنابراین باید آغاز به تألیف کتاب را سال ۸۰۲ دانست، یعنی یک سال بعد از بازگشت تیمور از هند و دو سالی پیش از اینکه حکم بر نگارش ظفرنامه نظام الدین شامی رفته باشد.^{۱۵}

نامی که زمین روسی چاپ کننده نخستین کتاب به استناد متن خطبه بدان داده است نباید نام درستی باشد. مؤلف از اینکه نوشته است: «بعد ذلک روزنامه غزوات هندوستان پیش گرفته جنگنامه‌ها به عبارتی از تکلف دور و به فهم نزدیک علی التفصیل شرح دهد» (ص ۱۵). مرادش ظاهراً آن بوده که یادداشتهای روزانه غزوات را در دست می‌گیرد و به شرح روزنامه‌وار جنگها خواهد پرداخت، کما اینکه در جایی دیگر به جای روزنامه غزوات از روزنامه فتوحات نام برده است. (ص ۶۲)

نام کتاب به احتمال قریب به یقین سعادت نامه بوده است. این نام در دو جای از کتاب دیده می‌شود. یک بار در صفحه ۵۷ آمده است: «اما بر حسب اشارات علیه شمه‌ای از این فتحها در اول این سعادت نامه گزارش یافت». جای دیگر نوشته است: «دیباچه این تاریخ همیون و سعادت نامه میمون به نام بزرگوار... موشح

ده فرسخ فرسخت بر جزویشال
سرخند مسجد جامع با ناز با بدیدان سینه کفرت بخت نما
نایدون در سینه سلطنت کز ابراهیم بود در چهار ماه مبارک رمضان سینه
اصول و فایده‌ترین موصوفه اختیار فرموده و مستادان ماهر دنیا با این
هندس طرح آن عبارت فیض انداخته و در سینه کفرت بخت نما
وقوعه دارگان آنرا از سنگ بر آورده اند کفرت بخت نما
استقامت ذات غرض خویش بر هر عمارت حاضر می‌شود در تمام آن زمان استقامت
بندول می‌باشند تا فرات بر پیش چرخ حاصله تدوین می‌شود و در تمام آن زمان استقامت
در سینه کفرت بخت نما
روح بر روان روح خود در اهل سعادت افتاد و از آن غرض نهاده و در سینه کفرت بخت نما
بر روی دهاک ده دستان سینه کفرت بخت نما
و در سینه کفرت بخت نما
کشت و در سینه کفرت بخت نما
آن بعد از این که فرموده از روزگار سینه
برای رونق آب در سینه کفرت بخت نما
زیر بنده نامی که فرموده است
آنرا خوان جان بدیده و امیدوار خود را در جبهات آن حضور گردان و غزوات
ابرا در روزگار اخبار رسان و وظایف عالم در نظر حضرت آن در سینه کفرت بخت نما
و همان کفرت بخت نما
از جوهر جبار و مستکار و غمناک و نگاه دایره است اعلیٰ با مردم
ابرا جبار و با اکرم الاکرمین

تصویر پایان نسخه تاشکند

گردانید». (ص ۶۳)

قرینه‌ای هم دال بر اینکه، سعادت نامه نام مناسب و درستی برای کتاب است، و می‌توان عنوان کرد، عنوان همایون نامه است که پسرش (شهاب الدین محمد) بر کتاب تألیفی خود نهاده است. نام ظفر نامه های شامی و یزدی هم می‌تواند قرینه دیگری باشد بر درست بودن نام سعادت نامه.

تألیف این کتاب از روی جنگنامه‌ها و فتحنامه‌هایی انجام شده است که وقایع نگاران همراه تیمور به یادداشت در می‌آورده‌اند و غیاث الدین علی از آنها به روزنامه غزوات هندوستان تعبیر کرده است.

اما اینکه نوشته‌اند (از جمله ادوارد براون و به دنبال او دیگران) که غیاث الدین علی از همراهان تیمور در سفر هند بود، از متن کتاب چنین استنباطی به دست نمی‌آید. اگر چنین بود چه ضرورت داشت مؤلف بگوید یکی از مقربان دستگاه که به شهر یزد وارد شده بود او را به نگارش کتاب برانگیخت؟! ظاهر آرتیب تألیف کتاب که مبتنی است بر روزانه بودن وقایع - بر اساس منابعی که در دسترسش آمده بود - این توهم را پیش می‌آورد که مؤلف می‌بایست روزانه شاهد وقایع می‌بوده تا بتواند چنین کتابی را تألیف کرده باشد.

مندرجات و فواید متن

این کتاب متشکل از سه مبحث می‌باشد. یکی دیباچه‌ای است درباره فتوحات (تا صفحه ۵۶) که از آن در صفحه ۱۱۵ تجدید یاد شده است. همان طور که شرف الدین علی یزدی هم در ظفر نامه قسمتی را فتح نامه سلطانی دانسته است. دیگر شرح وقایع مربوط به جنگهای تیمور در هندوستان است و دیگری شرح اجمالی درباره بنای مسجد سمرقند که کتاب بدان خاتمه می‌پذیرد.

مؤلف در چند جای کتاب مطالبی را که جنبه حکمی و کلامی دارد و از زمینه ذوقی و علمی او حکایت می‌کند، آورده است (مانند صفحات ۱۳۴، ۱۴۷، و ۱۶۳).

بعضی از اشعار مندرج در متن، سروده خود اوست. اما از سروده‌های فردوسی و نظامی و سعدی و شاعران دیگر هم ابیاتی را جاشنی مطالب کتاب ساخته است.

این متن از حیث لغت و زبان امتیاز خاص ندارد مگر چند واژه مانند: بدراهی، تیزاب (ص ۲۱)، چالشگر (ص ۲۹ و ۵۴)، چال (ص ۸۲)، کال (ص ۸۵ و ۸۶)، کجیم (ص ۱۱۲)، کول (ص ۸۲)، کوران (ص ۱۰۱)، طخش = تخش (ص ۱۱۲). البته محتوی بعضی اصطلاحات هم هست مانند: الف لام (ص ۸۸)، پل مغولی (ص ۷۵ و ۱۷۶)، چاشتگاه سلطانی (ص ۹۰، ۱۳۲، ۱۵۶، ۱۷۶ و ۱۸۱)، خاصه شریفه (ص ۱۲۲، ۱۵۱ و ۱۷۲)، خانه بچه (ص ۷۸ و ۹۶)، مال امانی، (ص ۱۲۰، ۱۵۸، ۱۵۹ و ۱۶۷)، مورچه شمشیر (ص ۱۵۵). لغات مغولی و ترکی مستعمل در این همانهاست که در دیگر متون تاریخی دیده می‌شود و از این زمره است:

اروغ (۶۶)، اغرق (۱۳۲ و ۱۵۰)، آقایان (۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۸۰)، اولاغ (۱۵۱)، ایلغار (۱۵۰ و ۱۷۵)، ایلچی، ایللی، باورچی (۴۸)، برانغار (۱۰۰ و ۱۰۷)، بیلاک (۶۷ و ۱۷۳)، ترخان (۶۶ و ۹۹ و ۱۱۴)، توره (۱۰۰ و ۱۰۷)، تنسوق، تواچی (۶۸ و ۱۳۳)، تواچی، توقوز (۱۷۴ و ۱۷۶)، تومان (۱۰۷)، جراسون، جرگه (۱۵۰ و ۱۷۵)، جوانغار (۹۹ و ۱۰۷)، جوق (۱۲۱ و ۱۲۲)، داروغه (۱۲۳)، ساوری (۱۶۹ و ۱۸۱)، سفناق (۱۱۵)، سیورغال (۱۷۴)، سیورغامیشی (۴۰)، طوی (۱۸۲)، قراول (۱۱۲)، قشلاق، قمچی (۱۷۴)، قورچی (۱۲۷)، قوشون (۱۳۳)، قول (۱۰۷ و ۱۳۹)، قیتول (۱۰۲)، کوتوال (۴۶)، منقلای (۱۰۷ و ۱۱۲ و ۱۱۴)، یاساق (۱۰۷)، یاسامیشی (۱۰۰ و ۱۴۴)، یرلیغ، یساول (۴۸)، یورث (۱۰۹)، یرغو (۱۵۵) و بیلاق.

نسخه‌های سعادت نامه

مشخصات نسخه‌های شناخته شده این متن چنین است:

۱. نسخه مورخ جمادی الآخر ۸۶۸ از آن کتابخانه مجلس شورای ملی (سابق) در تهران به شماره دفتر ۹۶۶۹ (خطی) فهرست شده، شماره ۷۰۰۸ (۷۰۰۸).^{۱۶}

این نسخه در ۱۲۷ ورق به خط نستعلیق محمد بن علاءالدین بن عبدالعزیز تبریزی است، ولی در یزد نگارش یافته و چون اقدم نسخه موجود در شمارست، نسخه اساس تصحیح قرار گرفت.^{۱۷} نشانه آن در آوردن نسخه بدلها «م» گذاشته شد.

یادآوری این نکته ضروری است که این نسخه، رقم پایانی مندرج در دو نسخه دیگر را که حاوی اطلاعاتی درباره مؤلف و فرزندش است، ندارد.

پیش از این صفحاتی از غزوات در منتخبات متون تاریخی فارسی گردآوری جمشید گیوناشویلی در سال ۱۹۷۲ در تفلیس چاپ شده (طبعاً برگرفته از چاپ زمین). همچنین عباراتی چند از خطبه را آقای همایونفرخ به راهنمایی فاضل ارجمند آقای عبدالحسین حائری از نسخه مجلس در مقدمه خود بر همایون نامه آورده‌اند.

۲. نسخه مورخ ۱۰۱۵ از آن کتابخانه خاورشناسی فرهنگستان علوم ازبکستان در شهر تاشکند به شماره 1520/2، اوراق ۸۰b-۱۳۵a (۵۶ ورق) به خط نستعلیق بدون نام کاتب. در حاشیه رقم تاریخ کتابت نوشته شده «قبل بقدر الوسع و الطاقه».^{۱۸} از روی این نسخه است که زمین چاپ پطروگراد را در ۱۹۱۵ به انجام رسانیده است. نشانه آن در آوردن نسخه بدلها «پ» گذاشته شد.

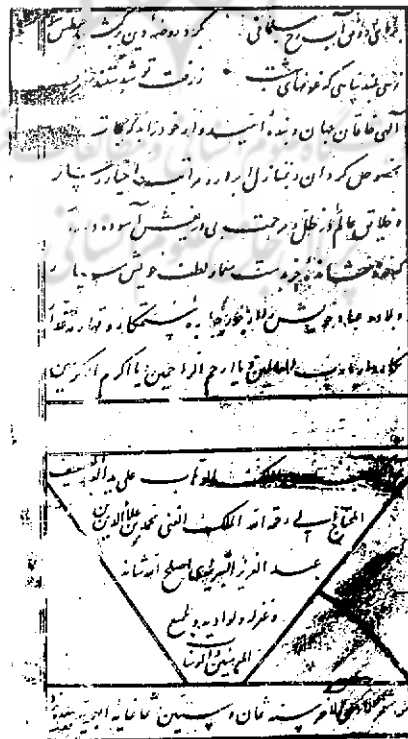
به مناسبت آنکه در حین تصحیح متن فقط نسخه چاپی زمین در اختیارم بود، لذا پس از اینکه میکروفیلم نسخه خطی به لطف آقای ریاض الاسلام دستیاب شد، متن چاپی با عکس نسخه تجدید مقابله شد و پاره‌ای اختلافات تازه یافته در پایان الحاق گردید.

این نسخه ورقی افتادگی دارد - میان ۴۱ ب و ۴۲ الف.

۳. نسخه مورخ ۱۲۴۱ از آن کتابخانه دانشگاه پنجاب (لاهور) به شماره ۲۹۶ (شماره ۴۵۹۱ هم در نخستین صفحه آن دیده می‌شود) در نود و یک ورق به خط نستعلیق عطاءالله بن محمد بن نظام الدین الحسینی البخاری.

از این نسخه اوراقی چند افتاده و مندرجاتش گسسته شده است. لذا آن موارد در حاشیه بر جای خود نشان داده شد.

تصویر پایان نسخه مجلس



نشانه این نسخه «ل» گذاشته شد.

عکس این نسخه هم به عنایت آقای دکتر ریاض الاسلام به دسترسی من در آمده است.

محمد بشیر حسین در معرفی نسخه، آن را کتابت اواخر قرن نهم هجری نوشته و یاد کرده است که «تاریخ ۹۳۹ بر سر ورق نسخه موجود است.» در حالی که در رقم پایانی کاتب تاریخ ۱۲۴۱ مضبوط است و به عدد لاتینی هم کسی در کناره صفحه، همان تاریخ را به یادداشت در آورده است.^{۱۹}

ترجمه روسی

سعادت نامه به روسی ترجمه شده و در سال ۱۹۵۸ بدین مشخصات انتشار یافته است.

A. A. Semenov: Denevk Pokhoda Timura v Indiyu. Moscow, 1958.

رسم خط نسخه‌ها یکسان نیست و به مرسوم امروزی هم نیست.

پی‌نوشت:

۱. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، پاکستان. اسلام آباد، ۱۳۶۷، ج دوم، ص ۳۹۲.
۲. از سعدی تاجامی، ادوارد براون، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۳۹، ص ۲۶۲.
۳. فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، تهران، ۱۳۷۵، ج دوم، ص ۱۲۷۰.
۴. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، تهران، ۱۳۴۴، ج دوم، ص ۲۵۰.
۵. خاندان جمال الاسلام یزدی، نوشته ایرج افشار، مجله یغما، ۳۱ (۱۳۷۵): ۶۲۴-۶۲۸.
۶. ابوالفضل رشیدالدین میبیدی مؤلف تفسیر کشف الاسرار و عدة الابراز هم از افراد این خاندان است. دیده شده: احتمالی در باب مؤلف کشف الاسرار، نوشته ایرج افشار، یغما، ۱۴ (۱۳۴۰): ۳۱۲.
۷. تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۲۱.
۸. تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۶۹-۱۷۰.
۹. جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۴۰، جلد سوم، ص ۶۲۱-۶۲۴.

مصحح در این چاپ بر آن روشی رفت که اکنون معتاد و مرسوم شده است. جز این، در چند مورد عناوینی را به منظور تفکیک مطالب به متن وارد کرد و البته آنها را درون [] گذاشت که از عنوانهای مؤلف باز شناخته شود. برای سهولت مراجعه محققان، جداولی از سالشمارهای متن، سالشمار سوانح عمده و جنگهای تیمور، شجره فرزندان تیمور در پایان آورده است.

دوستانه از همکاریهای دکتر ریاض الاسلام در تهیه میکروفیلم دو نسخه خطی سپاسگزاری می‌شود و در مورد عکس از نسخه تاشکند ضرورت دارد یادآور شوم که مؤسسه ابوریحان بیرونی (تاشکند) از شعب فرهنگستان علوم ازبکستان بنا به نامه م.م. خیرالهیف به خواهش جناب شفقت علی شیخ سفیر کشور پاکستان این میکروفیلم را آماده کرده است و همچنین نباید از یاد ببرم که مساعی حکیم محمد سعید رئیس مؤسسه همدرد (کراچی) در تهیه این میکروفیلم کارساز شده است.

۱. ظفر نامه تألیف شرف الدین علی یزدی در ۸۲۸.
۲. عجائب المقدور ابن عربشاه، جامع التواریخ ابن شهاب یزدی و تاریخ کبیر جعفری یزدی و تمرنامه منظوم هاتفی خرجردی از مؤلفانی است که از سال ۸۴۰ به بعد تألیف شده است.
۳. ۱۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جلد بیست و پنجم، تألیف علی صدراپی خویی، قم، ۱۳۷۶، ص ۱۳-۱۴.
۴. ۱۷. چه بسا این نسخه به مناسبت نگارش آن در یزد (موطن مؤلف) و به فاصله شصت و چند سال پس از زمان تألیف کتاب از روی نسخه‌ای کتابت شده باشد که به خط مؤلف یا مستنسخ از آن می‌بوده است.
۵. ۱۸. فهرست نسخه‌های خطی فرهنگستان علوم ازبکستان (به روسی)، تاشکند، جلد اول، ص ۵۵. همچنین در فهرست تازه آنجا که به زبان فارسی در تهران (۱۳۷۶) چاپ شده نیز معرفی شده است. (ص ۶۶). (فهرست نسخ خطی گنجینه استیتوی شرقی شناسی ابوریحان بیرونی، تاشکند، بخش اول از جلد اول، تاریخ، زیر نظر عصام الدین ابرون بایف، سید علی موجانی و شاه نیاز موسایف.)
۶. ۱۹. فهرست مخطوطات شیرانی، مرتبه محمد بشیر حسین، لاهور، ۱۹۶۸، ج اول، ص ۵۴.

۷. تاریخ یزد، ص ۱۲۱.
۸. تاریخ جدید یزد، ص ۱۶۹.
۹. جامع مفیدی، ص ۶۲۲.
۱۰. همایون نامه، تألیف محمد بن علی بن جمال الاسلام ملقب به منشی. تهران، ۱۳۵۶. برای تفصیل مربوط به همایون نامه و نسخه آن در کتابخانه ملک به فهرست آنجا (تألیف محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار)، جلد هفتم: ۶۶-۷۹ مراجعه شود.
۱۱. همایون نامه، ص ۱۵۶.
۱۲. تاریخ یزد، ص ۱۲۱.
۱۳. فرائد غیاثی، تصحیح دکتر حشمت مؤید، تهران، ۱۳۵۶، جلد اول، ص ۱۷.
۱۴. فهرست کتابخانه علی اصغر حکمت اهدایی به کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، تألیف محمدتقی دانش پژوه، تهران، ۱۳۴۱، ص ۳۰.
۱۵. تواریخ مهم دیگر مربوط به تیمور اینهاست:
 - ظفر نامه تألیف نظام الدین شامی در ۸۰۶ (که در سال ۸۰۴ به تألیف آن حکم شده بود).
 - شمس الحسنی تألیف تاج السلمانی در ۸۱۲.
 - ذیل ظفر نامه شامی از حافظ ابرو در ۸۱۵.
 - منتخب التواریخ معین الدین نظنزی تألیف ۸۱۷.
 - زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو در ۸۲۰.

